

هیچ‌دهم بود که مجلس پنجم اصلاحی را اعلام داشت، این اصلاح تبیجه اعلامیه حقوق بشر است که اشخاص را در عقایدشان و لوماتیهی باشد آزاد گذاشت، «اشتشناقت در معرفتی چون مخصوص بیشتر که بکار بستن آن نظم عمومی را بهم میزد...» (۱)

در هر حال این دو شاعر امروزه دنیای غرب و مردم تبیجه قطعی قرار گرفته و قانون بکار آوران غرب چاره امام مشکلات و مسائل اجتماعی را تواند برای درسته مقررات حقوقی و سازمان‌های مکاتبه‌سکی مستجو و میکنند و چنان‌توجیه به استعداد از مبانی و اصول اخلاقی ندارند (۲).

البته روی این طرز فکر باشد ابطه حقوق را خلق را بهمنی مورد بحث مانندی نمود و قانون اخلاق را تواند پاکیت از شون فردی زندگی محدود ساخت در مقابل این روش روش اسلام قرار دارد و عمل اینکه مانها اسلام را در بر ایران مکتب قرار مدهیم اینست که ایدیان دیگر می‌گردام دارای یک دور حقوق کامل و منظم نبایشند، اسلام علوه بر اینکه بنوان یک مذهب آسانی اساساً برای اخلاق کاردار شده، متقداست که بازی برای اداره اجتماع از ارزش‌ها و حقائق اخلاقی و ممتنوی حداقل استفاده را نمود، بنابر این تفکیک فلسفه حقوق و اخلاق و محدود ساختن ارزش‌های اخلاقی به شون فردی زندگی از نظر

(۱) این امکار وقتی شدند اوج خود رسید که مکتب «حقوق بین‌الملل» در حقوق جراحت می‌ولایت‌های اخلاقی را بکار نمکرد و معتقد شد که راجع را تنهایاً بازداشت‌ظرف عکس العمل اجتماع موردنیمه اقامه قرارداد.

نویسنده کتاب «حقوق جنایی» در مقدمه این کتاب ضمن اشاره «عقاید این مکتب چنین می‌نویسد: «عقاید این مکتب در موضوعات جزائی و امور برخلاف زندان به غسله «اگوست کنت» استگی دارد. این مکتب معتقد است این را ودبیای و طرفدار و جوب تری به مکاری بر علت می‌باشد بنابر این می‌ولایت اخلاقی را که مبنای مجازات محسوب می‌شود که می‌گذرد و تهی‌آجری را که مداخله می‌دهد عکس العمل اجتماعی است.

مانطور که اعضا می‌ وجودات زندگان در مقابل می‌کرب از خود دفاع می‌کنند، جامعه هم‌بیت به سورم عکس العمل نشانیده به کار طبق اصطلاح «لا کاسانی» (استادطب قانونی) یک می‌کرب اجتماعی محسوب می‌شود.

(۲) متأسفانه سازمان تسلیحات اخلاقی هم تاکنون قدم مؤثری برای ملتفت نمودن زمامداران به مسائل اخلاقی برداشته و بدین ترتیب این تها سازمان اخلاقی هم علاوه‌نمای ارتقا بیان نوجوی نشده است.

## مکتب اسلام در حقوقی اشتبه

# تأثیر اخلاق در حقوق

دو جامعه کنونی یکی از ذنده ترین مسائل مورد بحث اینست که میان تکامل حقوق و ارزش‌ها و مقابله اخلاقی جانشی موجود است؟ آیا می‌توانیم بس از اینها تکامل که در حقوق بعمل آمدۀ جامعه را تهیا باشیم سلسۀ قوانین و مقررات اداره و رهبری نموده دست استمدادیسوی مسائل و ارزش‌های اخلاقی دراز نکنیم؟ و آیا گرچه بن روشی بکار بسته شود - چنان‌که در ادوب ایکار است شده - مقررات حقوقی قادرند بیک صورت کاملاً خودکار اعتبار و خودخود را حفظ کنند؟

بالین سوال یک بحث تطبیقی اساسی در مقابل مبادله می‌شود که یک طرف آن حقوق جدید ادوب و طرف دیگر آن حقوق و قوانین اسلام است.

پر و ان حقوق جدید معتقد شد که مامیتو اینم تهیا با جامع الاطراف ساختن قوانین دلخواه از جمیع آنها، از یکدشتۀ تعلیمات اخلاقی و معمنوی کاملای نهاد شویم و بدون اینکه خود را در بیچ و خیابان این مقابله ماوراء الطیعت ای که ارزش قطبی آنها مسلم بست ادیوار سرگیجی کنیم، اجتماع را به پرین صورت دهیم و اداره نایم؛ میانند تمام کوشش خود ام صروف این کنیم که تشکیلات قوانین سه گاه، مقتضی و قضاایی، یک صورت کامل‌آخود کار و در عین حال نیز مندرج در آیدیه‌مندانه که یک بدن انسانی روی یک جریان کاملاً مکاتیکی تمام اعمال حیاتی خود را انجام‌داده کلیه خطرها و ناملامبات را از خود دفع می‌کند اجتماع نیز هیچ‌اینکی چنین حالت مکاتیکی بیدا کند و ممالیت حیاتی خود را ادامه دهد.

این امکار مخصوصاً در حقوق جراحتی و مصادیق اینست که کلیه جرائم مذهبی و اخلاقی یک بازه از صفحه قوانین جز آنی حذف شده و به صورت یک سلسۀ اعمال فریاده در آمده است که دستگاه حاکم هیچ‌گونه حق مداخله در آن وانداد، مؤلف کتاب «جنایات» (۱) دریان این موضوع مبنی‌می‌نویسد: «اتفاقاً کبیر، جنایتها بر طبق به ارادت مقدمات مذهبی و خداوند و از دسته جرائم حذف کرد و بر اثر خود عالم‌اللطفی تویسته گان قرن

(۱) شماره ۷۴ ازسری «پیمه میدان».

اـ اسلامی مجـمـوعـه ندارد . سـفـونـ اـ اـ لـامـی او پـایـهـای اـ طـرـیـ اـ خـلـاقـ بـنـاشـدـ وـ فـانـوـ نـگـرـ اـ رـاسـ اـ لـامـی  
 سـمـیـ نـمـودـهـ استـ عـوـشـ اـ بـنـکـهـ بـرـ حـجـمـ يـكـسـالـهـ قـوـانـینـ شـشـكـ اـ فـزـوـهـ كـنـدـارـ زـشـهـایـ اـ خـلـاقـیـ رـابـهـ  
 تـامـهـ اـ حلـ وـ شـوـنـ اـ جـتـسـاعـیـ توـسـهـ دـهـدـ وـ اـ جـتـسـاعـ رـابـهـ يـكـ طـبـ کـامـلـ اـ خـلـاقـةـ وـ اـ سـانـیـ مـبـدـلـ سـازـدـ  
 اـ بـنـ فـکـرـ اـ سـلـامـیـ مـخـصـصـوـسـاـ درـ مـقـرـدـاتـ جـزـائـیـ ظـبـورـ کـامـلـ نـمـودـهـ وـ قـسـتـیـ اـ ذـقـنـ اـ بـنـ  
 جـزـائـیـ اـ سـلـامـ مـفـهـومـ کـفـارـهـ رـابـخـودـ گـرـتـ استـ ، کـفـارـهـ عـبـارتـ اـ زـادـاءـ عـمـلـیـ استـ کـهـ منـظـوـرـ  
 تـطـهـیرـ رـوـحـ وـ جـبـرـانـ اـ خـرـافـ اـ خـلـاقـیـ وـ مـمـنـوـیـ جـزـءـ مـفـهـومـ آـنـ مـبـیـاشـدـ یـعنـیـ یـكـ مرـدـ  
 بـاـذـنـ اـ لـامـانـ درـ تـبـیـعـهـ بـعـثـیـ اـ جـزـ اـ لـامـ کـفـارـهـ مـبـدـهـتـمـیـخـوـاهـنـدـ بـاـ اـ بـنـ عـمـلـ ، اـ خـرـشـ اـ خـلـاقـیـ وـ مـمـنـوـیـ  
 خـوـدـوـ رـجـیـرـ اـ نـکـنـدـ وـ صـفـایـ دـرـوـنـیـ رـابـازـیـ بـاـبـنـدـ گـنـشـهـ اـ زـبـابـ کـفـارـاتـ ، مـهـجـاـزـهـایـ خـوـدـهـمـ  
 تـاحـدـیـبـادـیـ مـبـتـنـیـ بـرـیـکـ اـ صـلـمـنـوـیـ وـ اـ خـلـاقـیـ وـ بـقـولـ آـقـیـانـ یـكـ اـ صـلـمـ اـ الطـبـیـعـهـایـ استـ  
 اـ مـاـبـینـ اـ صـلـمـ اـ وـارـدـهـ اـ الطـبـیـعـهـ اـیـ یـكـ مـفـهـومـ کـنـکـ وـ غـیرـهـ قـابـلـ درـکـ . چـنـاـنـکـهـ درـ عـالـمـ مـبـحـیـتـ اـذـ  
 آـنـ تـفـیـرـ شـدـ . نـیـتـ ، اـ بـنـ اـ صـلـمـ ، هـمـاـنـ حـالـتـ دـرـوـنـیـ وـ دـرـوـحـیـ استـ کـهـ یـكـ مـجـرـمـ مـلـمـانـ  
 دـوـهـنـگـامـ اـ جـمـاـرـهـ مـجـاـزـاتـ بـنـامـ فـرـمانـ خـداـوـنـهـ ؛ آـنـراـدـدـرـوـنـ خـوـدـاـحـسـ مـیـکـنـدـ اـ بـنـ اـ حـسـ  
 اـ بـنـ استـ کـهـ مـنـ درـ اـنـ اـوـتـکـابـ جـرمـ بـهـ اـ زـدـشـ اـ سـانـیـ شـوـدـلـصـمـاـزـدـهـمـ وـ مـجـاـزـاتـیـکـ ) اـ کـنـونـ  
 بـایـدـتـلـیـ وـ سـعـشـیـ آـنـ رـاـ تـعـلـیـ کـنـمـ فـرـمانـ خـداـوـنـدـ استـ ، فـرـمانـیـ استـ کـهـ صـرـفاـ بـنـظـلـوـرـ  
 اـ صـلـحـ دـرـوـحـیـ وـ دـرـوـنـیـ مـنـ وـ حـمـاـیـتـ جـامـهـ اـ نـجـامـ ، یـگـیرـدـ وـ هـبـجـگـوـهـ مـنـظـاـوـرـ وـ غـرـضـ دـیـگـرـیـ  
 درـ کـارـ نـیـتـ .

تاـرـیـخـ صـدـرـ اـ سـلـامـ نـشـانـ مـیـهـدـ کـهـ اـ بـنـ اـ حـسـ اـ بـنـیـ اـ سـانـیـ درـ کـمـکـ بـدـستـ گـاهـ قـضـائـیـ  
 اـ سـلـامـ نـقـشـ بـسـیـارـهـ بـهـیـ رـابـازـهـیـ مـیـکـرـدـ وـ زـیـادـ اـ تـفـاـقـ مـیـاـنـدـ کـهـ خـوـدـمـجـرـمـینـ دـسـتـگـاهـ قـضـائـیـ  
 رـاـ اـ زـهـرـ مـعـلـمـ نـوـدـهـ خـوـاـتـارـ اـ جـرـاـحـدـدـدـ الـهـیـ مـیـشـنـدـ تـابـدـیـنـوـسـیـلـهـ یـلـیدـیـ کـنـهـ رـاـ اـ زـ  
 خـوـدـ دـوـرـسـازـنـدـ .

درـ هـرـ حـالـ ، دـوـشـ اـ سـلـامـ اـ بـنـتـ کـهـ وـاقـعـتـ ذـنـهـایـ مـاـتـدـ اـ ذـرـشـهـایـ اـ خـلـاقـیـ وـ مـمـنـوـیـ  
 اـ بـتـسـاعـ رـانـاـدـیدـهـ نـکـرـتـ وـ حقـقـوـقـ وـ مـقـرـدـاتـ فـانـوـنـیـ رـاـ بـیـشـ اـ زـهـرـ چـزـ دـیـگـرـ بـرـیـکـ وـ شـتـهـ  
 اـ حـسـ اـهـایـ اـ سـانـیـ جـامـهـ اـ سـتـوـارـ سـازـدـ . حـالـاـبـایـدـ درـ اـ سـاسـ عـلـیـ اـ بـنـ دـوـرـوـشـ مـخـالـفـ  
 بـهـ بـرـوـسـیـ وـ گـفتـگـوـ بـرـدـاـخـتـهـ ، مـنـعـنـقـ اـ سـلـامـداـ درـ اـ بـنـ بـارـهـ دـرـ بـایـمـ .